

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

فرستنده : یک هوادار

## سوسیالیسم میلیون ها بار بهتر از سرمایه داری است و کمونیسم جهانی از آنهم بهتر است

قسمت آخر:

### بخش دوازدهم: انقلاب فرهنگی، آتشفشان رهانی بخش

۱۸ اوت ۱۹۶۶ است و مائوتسه دون در پکن، در همان بالکن مشرف به میدان "صلح آسمانی" که در سال ۱۹۴۹ پیروزی انقلاب را اعلام کرد، ایستاده است. با این تفاوت که این بار در حال تماشای اولین رژه جوانان انقلابی گارد سرخ است. یک میلیون نفر از آنان در اینجا جمع شده اند. آنان جشن گرفته اند زیرا دو هفته پیش مائوتسه دون یک روزنامه دیواری خارق العاده نوشت: مقرهای فرماندهی را بمباران کنید!

این کاری بود که هیچ رهبر انقلابی در قدرت، و در واقع هیچ فرد قدرتمند دیگر در تاریخ، انجام نداده بود. مائو مردم را فراخواند که ساختارهای ستمگرانه حاکم را به مبارزه بطلبند: برخیزند و مقامات بالای حزبی را که سعی می کنند چین را به راه سرمایه داری بکشانند، سرنگون کنند. او مردم را فراخواند که از پائین، آن بخش هائی از قدرت سیاسی و آن بخش هائی از اقتصاد، فرهنگ و آموزش که به زیر سلطه رهروان سرمایه داری رفته بود، را باز پس گیرند.

مائو در حال راه انداختن انقلابی در انقلاب، بود.

### گارد های سرخ کاتالیزور (عامل اجرایی) انقلاب فرهنگی

در رژه ماه اگست، مائو جمعیت را تشویق کرد و بازوبند گارد سرخ را به بازو بست. این علامت حمایت از جوانان انقلابی و قوت قلب دادن به آنان بود. او می خواست، روحیه مبارزه جوئی و شورشگری جوانان را رها کند. به این ترتیب، گارد سرخ نقشی کلیدی در راه افتادن انقلاب فرهنگی بازی کرد.

وضعیت جامعه آن زمان چین را باید درک کنیم. همانطور که گفتم، بخشی از رهبران قدرتمند حزب و دولت، سیاست های بورژوائی را تحت پوشش مارکسیستی، رواج می دادند. خیلی از کارگران و دهقانان فکر می کردند چون رهبرانشان خود را کمونیست می خوانند، پس باید آمه های خوبی باشند. مائو می خواست در این

گرایش. همراهی با وضع موجود که در توده ها بود، اخلاص ایجاد کند و در هیئت متفرعن رهبران سرمایه داری خدشه وارد کند. واقعیت آن است که در بسیاری از کارخانه ها و مناطق روستائی مردم از انتقاد به رهبران می ترسیدند.

### گارد سرخ وارد صحنه میشود

گاردهای سرخ هیجانی در جامعه ایجاد کردند. تظاهرات و میتینگهای بحث راه انداختند. سطوح مختلف مقامات حزبی و دولتی را به انتقاد گرفتند. رؤسای مدارس را که مستبدانه رفتار می کردند، با هیاهو افشاء کردند. نسل قدیم در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ تجربه انقلاب و جنگ ضد ژاپنی و سرنگون کردن نیروهای چیانکایچک که تحت الحمایه آمریکا بود را، از سر گذرانده بود. اکنون یک نسل جدید انقلاب می کرد. دولت به جوانان اجازه داد تا مجاناً با قطار به سفر بپردازند. گاردهای سرخ به اقصی نقاط کشور رفتند، دسته دسته روی کامیون های ارتشی سوار شده و خود را به مقصد می رساندند. به روستاها می رفتند تا با دهقانان حرف بزنند - در حالیکه قبلاً یاد گرفته بودند همه چیز را از بالا نگاه کنند و هیچ ارتباطی با توده ها نداشتند.

گاردهای سرخ کاتالیزور بودند. آنان به مردم جرأت دادند که سر خود را بالا بگیرند، جرأت کنند حرف بزنند، و جرأت کنند انتقاد کنند. به گفته یکی از دهقانان گوش کنید:

«گاردهای سرخ خیلی سازمان یافته بودند. آنان میان خود تقسیم کار می کردند و به همه خانه های روستا سر می زدند. نقل قول هائی را برای ما می خواندند و به ما در مورد انقلاب فرهنگی در پکن و شانگهای می گفتند. پیش از آن هیچوقت اینهمه بیگانه به روستا نیامده بود. آنان در مورد زندگی مان سؤال می کردند و می خواستند از ما چیز هائی بیاموزند. از ما می پرسیدند اوضاعمان در بریگاد چگونه است. وارد بحث با کادرهای رهبری بریگاد می شدند و در مورد امتیازات کاری پرس و جو می کردند. آنان کتاب سرخ ما را در همه خانه ها توزیع کردند. دست آخر، به همه ما یک جلد کتاب سرخ رسید. آن گاردهای سرخ برای ما خیلی عزیز بودند. پس از اینکه از اینجا رفتند، ما به خواندن آن نقل قولها ادامه دادیم. آنها را خوانده و با وضع خودمان و آنطور که امور در اینجا می گذرد مقایسه کردیم و به این نتیجه رسیدیم که خیلی چیزها باید عوض شود.» (جان میردال و گون کسل، چین: ادامه انقلاب. انتشارات ونتاج- نیویورک ۱۹۷۲)

### جهت گیری مانو برای انقلاب فرهنگی

بورژوازی از انقلاب فرهنگی چین متنفر است. آن را به عنوان "کنترل افکار" تعریف می کنند. تصویرسازی آنان از گارد سرخ اینطور است که یک عده دیوانه مرتباً اینور آنور می رفتند و همه چیز را نابود می کردند. انواع و اقسام "پژوهش های" سنگین و خاطرات منتشر کرده اند تا ثابت کنند انقلاب فرهنگی هیچ نبود جز خشونت و انتقام گیری. اما حقایق اساسی انقلاب فرهنگی در تضاد ۱۸۰ درجه با این تصویرسازی است.

اولاً، انقلاب فرهنگی یک خشونت بی بند و بار نبود. رهبری مائویستی برای پیشبرد انقلاب فرهنگی راهنمای عمل مشخصی را منتشر کرده بود. یکی از اسناد عمده که همه باید بخوانند به اسم "تصمیم گیری ۱۶ نکته ای" بود. در اینجا گزیده ای از آن رهنمودهای مائو را می خوانیم:

- بگذارید توده ها در جریان جنبش خودشان، خود را تعلیم دهند و یاد بگیرند که درست و غلط را از هم تمیز دهند و میان روش های صحیح انجام کارها و روش های غلط، تمایز قائل شوند.
- تمام نیروی خود را روی ضربه زدن به عده معدودی از راستهای بورژوازی اولترا ارتجاعی، متمرکز کنید. آماج عمده جنبش اخیر آن افراد حزبی هستند که در مقامات اتوریتیه می باشند و راه سرمایه داری را در پیش گرفته

اند.

- اکیداً باید میان دو نوع تضاد تمایز گذاشت: تضاد درون خلق و تضاد میان ما و دشمن.
- وجود نظرات متفاوت در میان مردم امری عادی است. هر جا که مناظره است، جدلها باید بر مبنای استدلال و ارائه دلیل اداره شود و نه با توسل به زور. (۱)

این جهت گیری مائو بود. آیا بی نظمی هم بود؟ بله. آیا افراط و خشونت هم بود؟ البته که بود. این یک انقلاب بود. اما انقلابیون مائونیست تلاش کردند این جنبش را در جهت صحیح و با گذشت از تلاطم نگاه دارند: بحثهای توده ئی، انتقادهای توده ئی، و بسیج سیاسی توده ئی.

یک صحنه جالب این نکته را نشان می دهد. در دانشگاه سینهوا، میان فراکسیون های مختلف دانشجویی، دعوی زیادی موجود بود که به خشونت کشید. در جواب به این واقعه، رهبری مائونیست یک تیم از کارگران غیر مسلح به دانشگاه اعزام شد که مسائل را بررسی کرده و به حل آنها کمک کند.

### بخش سیزدهم: انقلاب فرهنگی، مبارزه ای پیچیده و رهائی بخش

یکی از تحریفهای بزرگ در مورد انقلاب فرهنگی آن است که تمام این ماجرا، طرح و نقشه مائو بود. گفته می شود پشت هر حرکت و مبارزه ای که در طول انقلاب فرهنگی انجام گرفت، مائو ایستاده بود؛ مائو مسؤل همه موارد قهر و خشونت بود. خلاصه، این درک القاء می شود که همه چیز از یک مرکز قدرت و تصمیم گیری، صادر می شد.

طبقات و نیروهای اجتماعی مختلفی در انقلاب فرهنگی درگیر بودند. در حزب و تشکلات توده ئی، مائونیستهای اصیل بودند. اما گروهبندی های ضد مائو هم بودند که دانشجویان و کارگران و دهقانان را سازماندهی می کردند. نیروهای نظامی محافظه کار، گروهبندیهای اولترا چپ، تشکلات توده ئی که به دو اردوی شورشگران و محافظه کاران تقسیم می شدند، و به یک کلام، منافع و انگیزه های طبقاتی متفاوت، همه در میدان حاضر و فعال بودند. بعضی ها از انقلاب فرهنگی برای تسویه حساب های شخصی سوء استفاده کردند. دشمنان مائو در حزب (کسانی که زیر حمله سیاسی بودند) اغلب تاکتیک دفاع از مائو را در پیش می گرفتند و به نام انقلاب فرهنگی، فراکسیونبیسیم و خشونت را دامن می زدند. آنان به طور هدفمند اینکار را می کردند تا مبارزه را منحرف کرده و جنبش انقلابی را بی اعتبار کنند. واقعیت این بود که انقلاب فرهنگی مبارزه ای پیچیده بود بر سر اینکه کدام طبقه باید جامعه را رهبری کند: آیا پرولتاریا در ائتلاف با متحدینش که اکثریت جامعه را تشکیل می دهد باید به انقلاب ادامه داده و جامعه را دگرگون کند یا اینکه یک طبقه بورژوازی نوین مهار جامعه را به دست گیرد.

با وجود این گرایشات و کششهای گوناگون در انقلاب فرهنگی، مائو و رهبری انقلابی قادر بودند آن را در جهت مشخصی هدایت کنند. یعنی، تمرکز مبارزه سیاسی را علیه رهروان سرمایه داری نگاه دارند، جامعه را انقلابی تر کنند و توده ها را قدرتمند کنند.

فقط فکرش را بکنید که چه اتفاقی داشت می افتاد. مائو در حال شکستن قفل انرژی و ابتکار عمل صدها میلیون نفر بود، تا درگیر جدل بر سر جهت گیری جامعه شوند و مسؤولیت سرنوشت آن را به دست گیرند. در آمریکا و دیگر دموکراسی های بورژوائی، زندگی سیاسی با رأی دادن تعریف می شود. هر چهار سال یکبار آدمها در آئینی که نظم موجود را تقویت می کند و آنان را منفعیل نگاه می دارد، شرکت می کنند. اما در چین انقلابی دوران انقلاب

فرهنگی، یک جوشش و غلیان باور نکردنی در جریان بود. جوشش و غلیانی که برای جامعه عالی است. قدر مسلم است که در چنین وضعی، روندهائی با جهات گوناگون به راه می افتد و جامعه به سمت های مختلف کشیده می شود. می بینیم که در جریان انقلاب فرهنگی، گاردهای سرخ به افراط در غلتیدن و در تلاش برای زدودن اثرات بورژوائی از جامعه، زیاده روی کردند. در چنین فضائی بود که مائو و رهبران انقلابی، توده ها را در زمینه تجزیه و تحلیل و حل مشکلات و جمعبندی از درسها و روشهای مبارزه و تحکیم دستاوردها، رهبری می کردند. مبارزه طبقاتی در جامعه (اینکه جامعه در راه سوسیالیسم پیشروی می کند یا به عقب به سوی سرمایه داری باز میگردد) در رده های بالای حزب و دولت تمرکز یافته بود. در رویکرد به این مسأله، خلاف تبلیغاتی که می شود، مائو دنبال به چنگ آوردن قدرت برای شخص خودش نبود. او می توانست همه مخالفتش را دستگیر کند اما، همانطور که در بخش های قبل گفتیم، او اینکار را نکرد زیرا این کار، راه حل ممانعت از احیای سرمایه داری و واژگون شدن انقلاب نبود. مائو حاضر بود به خاطر بسیج سیاسی توده های میلیونی، به خاطر اینکه این توده ها بیدار شده و با مسائل بزرگ جامعه رو در رو شوند و سرنوشت آن را به دست گیرند، همه چیز را به خطر بیندازد. او خطر اتکاء به توده ها را به جان خرید. مائو تاکید کرد که انقلاب فرهنگی مبارزه ای است برای سرنگون کردن رهروان سرمایه داری اما در سطوح عمیق تر در برگیرنده مسائلی است مانند جهان بینی و توان بخشی به توده ها که بتوانند آگاهانه جهان را درک کنند و آگاهانه جهان و خود را تغییر دهند.

### یک جنبش توده ای بی نظیر

انقلاب فرهنگی شاهد مناظره های بزرگ و چالش گری های بزرگ بود. تظاهرات های سیاسی، گردهمائی های اعتراضی، راهپیمائی ها و میتینگ های سیاسی توده ای، مشخصه انقلاب فرهنگی بود. روزنامه های کوچک در همه جا منتشر می شد. فقط در پکن (پایتخت) ۹۰۰ روزنامه در می آمد. اوراقی که با ماشین های ماموگرافی چاپ شده و روزانه پخش می شد، غیر قابل شمارش است. مصالح مورد نیاز برای این فعالیت ها مجانی بود: کاغذ، جوهر، فرچه، پوستر، ماشین های چاپ، بلندگو، استفاده از سالن ها و میادین برای گردهمائی و غیره. گارد سرخ برای گسترش این جنبش به پرولتاریا، کمک کرد. وقتی انقلاب فرهنگی در میان کارگران پایه گرفت، نقطه عطفی رخ داد. در سال ۱۹۶۷-۱۹۶۸، چهل میلیون کارگر درگیر مبارزه طبقاتی حاد، خیزشها و مبارزات توده ئی پیچیده ای برای پس گرفتن قدرت از ارگان های حزبی محلات و شهرها شد که دژهای محافظه کاران بود. توده ها از طریق آزمایش کردن و مناظره و جمعبندی کردن، همراه با رهبری مائوئیستها، ارگان های قدرت سیاسی پرولتاری نوینی را برپا کردند.

انقلاب فرهنگی، در زمینه میدان فکر و عمل و شدت جریان، در تاریخ بشر بی نظیر است. روئین زندگی روزمره بی مهابا برهم زده شد. مردم از هر بخش جامعه درگیر مناظره و بحث های سیاسی و ایدئولوژیک بزرگ شدند. دهقانان درگیر بحث و تجزیه و تحلیل در مورد بقایای ارزش های کهنه و ارتجاعی کنفوسیوسی شدند که هنوز در زندگی آنان پابرجا بود. کارگران کارخانه های شانگهای به آزمایش اشکال جدید مدیریت مشارکتی پرداختند. هیچ چیز و هیچ کس در ماورای انتقاد قرار نداشت. مقامات سیاسی، اداری و آموزشی که از توده ها جدا شده بودند، مورد انتقاد قرار گرفتند. دیگر هیچ مقامی نمی توانست در دفتر خود سنگر گرفته و از آنجا دستور و رهنمود پارس کند. اکنون باید قدم رنجه می کرد و همراه با کارگران و دهقانان بخشی از وضعیت می شد. انقلاب فرهنگی، یک روند خود-آزمونی ایدئولوژیک عمیق به راه انداخت. مائو گفت، بدون دگرگون کردن سنت ها، عادات، و طرز تفکر، انقلاب امکان ندارد. انقلاب باید افکار نوین، روابط نوین میان مردم بوجود آورد.

"خدمت به خلق" شعاری بود که در دوره انقلاب فرهنگی فراگیر شد. "خدمت به خلق" هیچ شباهتی با رویکرد خیرمابانه بورژوائی که پولدارها نسبت به فقرا دارند، نداشت. بلکه ناظر بر نیازهای اکثریت عظیم جامعه و آرمان کمونیسم جهانی بود. همچنین رویا رویاروئی بود علیه طرز تفکر "اول من" که سرمایه داری اشاعه می دهد. آنچه مائو تأکید می کند این است که می توان اقتصاد سوسیالیستی داشت، اما اگر روحیه کار برای مصالح اجتماعی بزرگتر تقویت نشود، مالکیت سوسیالیستی تبدیل به یک ظرف توخالی می شود.

### تأثیرات بین المللی

در مورد تأثیرات انقلاب فرهنگی بر مردم خارج از چین، هر قدر بگوئیم کم گفته ایم. دورانی بود که یک خیزش انقلابی رادیکال در سراسر جهان در جریان بود. دوره ای بود که اتحاد شوروی تبدیل به نیروئی شده بود که کاملاً با انقلاب پرولتری ضدیت می ورزید. در چین، مائو در حال ارائه چشم انداز یک انقلاب کمونیستی پیگیر بود. می توانم از تأثیراتی که گارد سرخ بر روی شخص من (در آمریکا) داشت صحبت کنم. آن زمان من دبیرستانی و یک دانش آموز شورشگر بودم. من هم می خواستم مانند آنان باشم. یادم می آید وقتی مائو آن بیانیه معروفش را در دفاع از خیزش سیاهان آمریکا ( در آوریل ۱۹۶۸ پس از به قتل رسیدن مارتین لوتر کینگ) صادر کرد، چقدر روی من تأثیر گذاشت و به من الهام بخشید. چین مائوئیستی فقط از انقلابات سراسر جهان حمایت نمی کرد بلکه در خود جامعه چین هم در حال انجام انقلابی دیگر بود. و این برای من حیرت انگیز بود. و هنوز هم هست ...

بخش چهاردهم : دستاوردهای انقلاب فرهنگی در آموزش و فرهنگ ( به فارسی ترجمه نشده است) پایان.